

یاران روحانی

با تقدیم تحیات امنع ابھی

بیت العدل اعظم الہی در دستخطی به تاریخ ۲۲ ژوئن ۲۰۲۴ در خصوص یکی از دغدغه های امروز جامعه ایران میفرمایند:

"...از اشاعه دین گریزی و مکتب ماده گرایی در سرزمین ایران مرقوم نموده‌اید. همانطور که قطعاً مطلعید، مفهوم دین در آثار حضرت بهاءالله با مفاهیم رایج در اجتماع کنونی بسیار متفاوت است." در ادامه این دستخط منیع به معنای حقیقی دین اشاره فرموده و سپس اهل بهاء را دعوت میفرمایند که " با تأمل در آثار مبارکه و همچنین مطالعه موادّ درسی مؤسسه آموزشی به درک عمیق‌تری از این مفهوم نائل آیند.

برنامه ای که تحت عنوان (وجه عالم به لامذهبی متوجه)، تهیه گردیده است قصد دارد با استمداد از آثار مبارکه و هدایات بیت العدل اعظم الہی، اهمیت نقش دین را در حیات اجتماعی و انسانی بیان نموده و ویژگیهای دین حقیقی و ثمرات تمسک به آن را در حیات فردی و اجتماعی هر یک از ما مورد بررسی قرار دهد.

امید است این مطالب بتواند ما را در گفتگو با افرادی که از دین گریزانند، و شبهاتی بر آن وارد میسازند مساعدت نماید

جاننان خوش باد

عنوان: وجه عالم به لامذهبی متوجه

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع
۲. بیانات حضرت بهاءالله
۳. بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۴. دین سبب سعادت عالم انسانی است
۵. ضعف ارکان دیانت
۶. فقدان روحانیت
۷. مفهوم واقعی دین
۸. دین حقیقی را می توان از ثمراتش شناخت
۹. جهانیان هر چند غافلند ولی به جان در گفتگوی تو
۱۰. فهم جدیدی از دین
۱۱. شور و مشورت

در گفتگو با افرادی که از دین گریزانند به چه نکاتی می توان اشاره کرد؟

۱۲. برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۳. انس و الفت
۱۴. مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

الها معبودا ملکا

حمد و ثنا سزاوار تو است چه که از مُشتی تُراب، خَلَقَ را خَلَقَ فرمودی و گوهر بینش و دانش عطا نمودی. ای کریم، از تو می طلبیم آنچه را که سبب حیات ابدی و زندگی سَرمدی است، ما را محروم منما. وجود از جودت موجود، او را از طراز عنایت منع مفرما و کل را به تجلیات انوار نیر توحید منور گردان. لَكَ الْأَمْرِ فِي الْمَبْدَأِ وَالْمَعَادِ وَلَكَ الْحُكْمُ يَا مَالِكُ الْإِبْجَادِ وَمَالِكُ الْعِبَادِ.

۲- بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

وجه عالم به لامذهبی متوجه. در کل سنین، بلکه در کل شهور، بل در کل ایام، از ایمان و عرفان و ایقان بعید و به ظنون و اوهام نزدیک. تا مدتی به این نحو خواهد بود چنانچه میقات آن در کتاب الهی نازل و ثبت شده. ولکن محزون مباش چه که اشراقات شمس حقیقت، رطوبات زائده طبیعت را جذب خواهد نمود و این فقره نه مخصوص به این عصر است بلکه از قبل هم چنین بوده... بعد انقضا مدت مذکوره در کتاب، بَغْتَهُ، امرالله مرتفع و جمیع نفوس به او متوجه ان ربک لهو الصادق المتکلم الناطق الامین.

مائده آسمانی ج ۴ ص ۱۹

اهل ثروت و اصحاب عزت و قدرت، باید حرمت دین را باحسن ما یمكن فی الإبداع، ملاحظه نمایند. دین نوریست مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیه الله ناس را به معروف امر و از منکر نهی نماید. اگر سراج دین مستور ماند، هرج و مرج راه یابد. نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز مانند. هر آگاهی بر آنچه ذکر شد گواهی داده و میدهد.

الواح بعد از کتاب اقدس ص ۷۳

۳-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

بعض سبک مغزان که تعمق و تدبّر در اُسّ اساس ادیان الهیه ننموده اند و روش بعض مدعیان کاذبه تدین را میزان قرار داده، کل را به آن قیاس نمایندف از این جهت ادیان را منافی ترقی عموم انگاشته اند بلکه موسس نزاع و جدال و سبب بغض و عداوت کلیه، بین افراد بشریه شمرده اند و این قدر ملاحظه ننموده اند که اساس ادیان الهی را از اعمال مدعیان دیانت ادراک نتوان نمود چه که هر امر خیری که در ابداع شبه آن متصور نه، قابل سوء استعمال است. مثلاً اگر سراج نورانی در دست جهلای صبیان و نابینایان افتد، خانه نیفرورد و ظلمت مستولیه زائل نگردد، بلکه خانه و خود را هر دو بسوزاند در این صورت می توان گفت سراج مذموم است؟ لاوالله این معلوم و واضح است که اعظم وسائط فوز و فلاح عباد و اکبر وسائل تمدن و نجاح من فی البلاد، محبت و الفت و اتحاد کلی بین افراد نوع انسانی است و هیچ امری در عالم بدون اتحاد و اتفاق متصور و میسور نگردد و در عالم، اکمل وسائل الفت و اتحاد، دیانت حقیقیه الهیه است.

رساله سیاسیه امر و خلق ج ۲ ص ۹۲

ممکن نیست که از برای اهل عالم قناعت حاصل شود مگر به قوه ایمان، زیرا ایمان حلال هر مشکلی است. پس باید کوشید که دین الله نفوذ یابد. به قوه دین الله هر امر مشکلی آسان گردد قوه دین، ملوک را خاضع کند و اصحاب نفوذ را مغلوب نماید. پس بکوشید که دین حقیقی که روح حیات به عالم انسانی میدمد، انتشار یابد اینست علاج جسم مریض عالم، این است دریاق سمّ نقیع بشر

پیام ملکوت ۱۹۱

"دیانت عبارت از عقاید و رسوم نیست. دیانت عبارت از تعالیم الهی است که محیی عالم انسانی است و سبب تربیت افکار عالی و تحسین اخلاق و ترویج مبادی عزت ابدیه عالم انسانی است"

مکاتیب ۳، ص ۳۷۶

۴- دین سبب سعادت عالم انسانی است

اول موهبت الهیه در عالم انسانی دین است، زیرا دین تعالیم الهی است. البتّه تعالیم الهیه بر جمیع تعالیم، مقدّم و فائق است. دین انسان را حیات ابدی دهد. دین خدمت به عالم اخلاق کند. دین دلالت به سعادت ابدیه نماید. دین سبب عزّت قدیمه عالم انسان است. دین سبب ترقّی جمیع ملل است. برهان بر آن این که، چون در ادیان به نظر حقیقت نظر و تحرّی نمائیم می بینیم، دین سبب ترقّی و سعادت ملل بوده. حال ما باید تحرّی نمائیم که دین سبب نورانیت عالم است یا نه؟ دین سبب ترقّی فوق العاده عالم انسانی است یا نه؟ ولی باید به نظر حقیقت بینیم نه تقلید، چه اگر به تقلید باشد، هر یک عقاید خود را مرجّح داند. بعضی گویند که دین سبب سعادت نیست مایه ذلّت است. پس اول باید تحرّی آن کنیم که دین سبب ترقّی است یا تدنّی، سبب عزّت است یا ذلّت، تا برای ما شبهه ئی باقی نماند. لهذا ذکر انبیاء و وقایع ایام آنها را میکنیم، نه به روایاتی که بعضی انکار توانند، بلکه بیاناتی که مسلم عموم است، منکری ندارد. و آن این است که از جمله انبیاء، حضرت ابراهیم بود که به جهت آنکه منع عبادت اصنام کرد و دعوت به وحدانیت الهیه نمود، او را اذیت نمودند و از بلد، اخراج کردند. لکن ملاحظه کنید که چگونه دین سبب ترقّی است که آن حضرت عائله ای تشکیل فرمود، خدا آن را برکت داد، مبارک نمود به سبب دینی که از برکت آن انبیاء از آن عائله پیدا شد، اشخاصی مانند یعقوب مبعوث شدند، یوسفی مبعوث گردید، موسائی ظهور نمود، هارون، داود، سلیمان و انبیای الهی از آن عائله، ظاهر شدند. ارض مقدّسه در تصرف آنها آمد، مدنیّت کُبری، تأسیس گشت به سبب دین الهی که تأسیس شده بود. پس دین سبب عزّت است، دین سبب ترقّی و مدنیّت است، دین سبب سعادت عالم انسانی است. این است که حضرت ابراهیم الی الآن خاندانش در جمیع عالم منتشر است.

"خطابات در اروپا و امریکا جلد دوم ص ۳۰۷"

۵- ضعف ارکان دیانت

حضرت ولی محبوب امرالله میفرماید:

نه تنها بی دینی وزادهٔ عجیب آن، یعنی بلیهٔ سه گانه (ملیت، جنسیت و اشتراکی) که اکنون روح عالم انسانی را مُعذَّب ساخته، مسئول عوارض شومی است که عالم را به صورت بس خطرناک فراگرفته، بلکه مفسد و معایب دیگری که اغلب آنها از عواقب مستقیم ضعف ارکان دیانت میباشند، عوامل مساعدهٔ آن گناه چند جانبه بشمار میروند که افراد ملل بدان محکوم گشته اند. علائم انحطاط اخلاقی که نتیجهٔ تنزل دیانت و اعتلای این بُتهای غاصبه میباشد، به حدی متعدد و روشن است که حتی اگر کسی به نظر سطحی در اوضاع جامعهٔ کنونی بنگرد از درک آن محروم نخواهد ماند. اشاعهٔ فکر مخالفت با قانون و باده نوشی و قمار و جنایت، میل مُفرط به عیّاشی و مکنت و شئونات دنیوی، سستی در اخلاقیات که منجر به ترک مسئولیت در امر ازدواج و ضعف نظارت والدین و کثرت امر طلاق و انحطاط پایهٔ معارف و مطبوعات و حمایت از عقایدی که صرفاً منافی امر طهارت و اخلاقیات و نجابت است، تمام این علائم تدنی اخلاقی که بر شرق و غرب، هر دو استیلا یافته و در هر صنف و طبقهٔ جامعه، رخنه و نفوذ کرده و سموم خود را در اعضای جامعه اعم از زن و مرد و جوان و پیر، تزریق نموده، اینها تمام تومار سیاهی که عیوب متعدد نوع بشر تبهکار بر آن ثبت بوده، سیاه تر کرده است. لهذا تعجیبی نیست اگر حضرت بهاءالله، آن طبیب ملکوتی چنین فرموده باشد: «در این روز، ذائقهٔ ناس تغییر کرده و قوهٔ ادراک آن تبدیل یافته، آریاح مخالفهٔ دنیا و رنگهای آن، ایجاد زکام نموده و شامهٔ مردم را از نفحات طیبیهٔ ظهور ممنوع ساخته» (ترجمه). چه لبریز و تلخ است جام انسانی که از اجابت ندای الهی که توسط مظهر کلی او بلند شده، محروم مانده و مصباح اعتقاد خود را نسبت به خالق خود تاریک کرده و آن همه اطاعتی را که به خدای خویش مدیون بوده، نسبت به خدایان مخلوق خود داشته و خود را به مفسد و معایبی که لازمهٔ چنین تعویض است آلوده کرده.

توقیع قد ظهر یوم المیعاد ص ۱۸۱ تا ۱۸۳

۶- فقدان روحانیت

براستی دلیل اصلی برای شرور و مفساسدی که اکنون جامعه را فرا گرفته، فقدان روحانیت است. تمدن مادی عصر ما، چنان توجه و توان نوع انسان را جذب نموده که دیگر لزومی نمی بیند خود را از حوزه شرایط و جاذبه های زندگی مادی و روزانه، بالا کشند. نیاز کافی برای آنچه امور روحانی می خوانیم وجود ندارد و لهذا نمی توانند آنها را از ضروریات و احتیاجات حیات مادی، تمیز دهند. اما بحران عمومی مُصاب بر عالمیان، در علل و عوامل، لزوماً روحانی است. از دید کلی، روح عصر و زمان، الحاد و لامذهبی است. نگرش انسان به زندگی بیش از آن ناپخته و ماده باورانه است که او را قادر سازد خود را به سطوح عالی تر روح، ارتقاء بخشد. همین وضع است، وضعی چنین غم انگیز و فلاکت بار که جامعه بشری به آن گرفتار آمده که دین الله می کوشد بهبود بخشد و تغییر و تبدیل دهد.

۷- مفهوم واقعی دین

جمال قدم می فرمایند: "عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً در تزیاید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد، به شأنی که ذکر آن حال مقتضی نه." ملاحظه می فرمایید که چگونه نور ایمان در سراسر جهان رو به اخمد است. اما رفتار و کردار و خلق و خوی شما برهانی است زنده از نورانیتی که دین حقیقی می تواند به عالم وجود بخشد. دین اخلاق حمیده ترویج می دهد، تحمل و بردباری، شفقت و محبت، و بخشش و بزرگواری عطا می کند، تفکری مترقی و متعالی القا می نماید، آزار و اذیت به دیگران را بالکل نهدی می کند و افراد را به جان فشانی در راه خیر عموم، دعوت می نماید. دین به افراد می آموزد که جهان بین باشند نه خودبین، از تعصبات احتراز نمایند، به تأسیس اتحاد و یگانگی در بین نوع بشر پردازند، در راه رفاه مادی و معنوی همگان کوشند، سعادت خود را در خوشبختی دیگران بینند، علم و دانش را انتشار دهند، اسباب وجد و سرور حقیقی شوند و عالم انسانی را حیاتی تازه بخشند. دین آینه قلب را صیقل می دهد تا خصایل روحانی مودوعه در وجود را منعکس نماید، قوای منبثه از صفات الهی در زندگی فردی و جمعی بندگان ظاهر شود و پیدایش نظم اجتماعی نوینی را مدد بخشد. این است مفهوم واقعی دین در تعالیم حضرت بهاءالله.

پیام بیت العدل اعظم خطاب به جوانان مهد امرالله مورخ ۹ بهمن ۱۳۹۲

۸- دین حقیقی را می‌توان از ثمراتش شناخت

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند "هر طالبی البتّه باید کمر جهد و طلب بسته به شاطی آن بحر درآید". تعالیم روحانی پیامبران طیّ قرون و اعصار در نظام‌های دینی، تجسّد یافتند و به مرور زمان با جنبه‌هایی از فرهنگ در هم آمیختند و همراه با اصول جزمی ساخته دست بشر، به تنزّل گراییدند. اما با نگاهی به ماورای این نکات واضح می‌گردد که تعالیم اصلی ادیان، منشأ ارزش‌های جهانی‌ای هستند که آگاهی اخلاقی نوع بشر را شکل داده‌اند و از طریق آنها مردمان مختلف اهداف مشترک یافته‌اند. به دلایلی روشن، در اجتماع امروزی اعتبار دین لطمات فراوانی دیده است. اگر نفرت و اختلاف به اسم دین ترویج شود، بی‌دینی مرجح است. ولی دین حقیقی را می‌توان از ثمراتش شناخت. قابلیت دین در الهام بخشیدن، در تقلیب قلوب، در ایجاد وحدت و در ترویج صلح و رفاه می‌باشد. دین حقیقی با عقل و خرد تطابق دارد و برای پیشرفت اجتماع وسیله‌ای اساسی محسوب می‌شود. آیین حضرت بهاء‌الله انضباط عمل در پرتو تفکر و تأمل را در افراد و در جامعه پرورش می‌دهد و بدین وسیله بصیرت‌های لازم برای بهبود اجتماع به تدریج حاصل می‌گردد. حضرت بهاء‌الله سعی در تغییر اجتماع از طریق توطئه‌های سیاسی، فتنه و آشوب، بدگویی از گروه‌های خاص، و یا از طریق جنگ و اختلاف را مردود دانسته‌اند، زیرا این قبیل روش‌ها موجب تداوم ادواری کشمکش گردیده، راه حل‌های پایدار را همواره از نظر دور نگه می‌دارد. ابزار مورد نظر آن حضرت ابزاری کاملاً متفاوت است. حضرت بهاء‌الله جهانیان را به کردار نیک، گفتار محبت‌آمیز و اعمال طیّبه مرضیه، دعوت می‌نمایند و خدمت به دیگران و تعاون و تعاضد را وظیفه همگان می‌شمارند. آن حضرت هر یک از اعضای جامعه بشری را به جدیّت در راه بنای تمدنی جهانی مبتنی بر تعالیم الهی فرا می‌خوانند. بعد از تعمق در وسعت بینش آن حضرت، آیا این پرسش پیش نمی‌آید که نوع انسان به جز این بینش، امید آینده خود را بر چه اساسی می‌تواند واقع بینانه بنا نماید

پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ اکتبر ۲۰۱۷

۹- "...جهانیان هر چند غافلند ولی به جان در گفتگوی تو..." (حضرت عبدالبهاء)

انقلابات و بحرانهای بزرگ، جهان را فرا گرفته است. فقر، خشونت، جنگ، تعصبات مذهبی و نژادی و ملی، بیماری، تروریسم، انقلابات اجتماعی، بیکاری و بسیاری از مشکلات دیگر مردم را خسته و ناامید نموده است. وعده های ادیان مختلف برای رسیدن به جهانی مملو از عدالت، متحقق نشده است و مردم جهان از دین و دینداری خسته و ناامید شده اند. بسیاری از آنها دین را علت این سرنوشت شوم و عقب ماندگی و عدم پیشرفت می دانند. از نظر آنها دین، عامل و علت جنگهای بسیار، خشونت و کشتار و تبعیض و نابرابری بین انسانها و اجبار و سلب آزادی بشر شده است. نسل جوان امروز از دین، گریزان و به دنبال آزادی و حقوق انسانی خود است. در این میان دیانتی جدید ظاهر گشته و دین را علت نظم و امنیت جهان می داند و بی دینی را مبدأ و عامل هرج و مرج بیان می کند و تحقق صلح و عدالت را در پیروی از دیانت جدید الهی اعلام نموده است. اما مردمی چنین دین گریز و بدبین نسبت به همه ی ادیان الهی، چگونه می توانند دوباره باور کنند که دین جدید موجب نجات آنهاست؟

... به نظر می رسد آنچه که سبب چنین ناامیدی از دین و ستیز با آن شده است، تصویر نادرستی است که مدعیان دین با اعمال و رفتار خود در ذهن مردم ایجاد نموده اند و وقتی بهائیان از دین جدید سخن می گویند، این تشابه لفظی باعث به اشتباه افتادن و سوء تفاهم می گردد. حال آنکه وقتی یک فرد بهائی از واژه "دین" استفاده می کند، مفهوم و تعریفی که از دین در ذهن اوست با درک و تصویری که در ذهن دین گریزان و دین ستیزان است، کاملاً متفاوت و شاید بتوان گفت حتی نقطه مقابل آن است. ... در حقیقت آنچه که اغلب مردم از آن در گریزند، تعصبات مذهبی و ملی و نژادی و محدودیتهای فکری و قید و بندهای سطحی و بیخردی و بی دانشی و فقدان اخلاق و جنگ و دشمنی و منفعت پرستی، تقلید و خرافات و جدا کردن انسانها و قضاوت در مورد آنها و دخالت در زندگی خصوصی افراد و امر به معروف و نهی از منکر و سایر اموری است که روح او را پژمرده نموده است. اما وقتی فرد بهائی از "دین" سخن می گوید، منظور و مقصود او، آن اصولی است که دیانت بهائی ترویج می کند که علاوه بر اعتقاد به خداوند

و پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی، شامل تلاش برای ترویج و گسترش اصولی است که با نام تعالیم و آموزه های اجتماعی و اعتقادی بهائی، مورد شناسایی قرار گرفته است. یعنی داشتن تفکر مستقل و ترک انواع تعصبات و عدم تبعیض بین انسانها و برابر دانستن حقوق فردی و اجتماعی همه مردم جهان و تلاش در جهت صلح و دوستی و محبت و قرار ندادن دین و ملیت و نژاد و جنسیت و سایر تفاوتها به عنوان علتی برای جدایی و دوری و کدورت مابین انسانها و لازم و ملزوم دانستن علم و اخلاق با یکدیگر و توجه و ترجیح دادن منافع کل اجتماع بر منافع فردی و امروزه بشر از همه ی مظاهر غیر انسانی و غیر اخلاقی گریزان است و آرزومند دنیایی است که آئینه ملکوت باشد، همان جهانی که ادیان الهی در اصول کلی خود و همچنین دیانت بهائی در تعالیم اجتماعی و آموزه های اخلاقی خود، ترویج می دهد و لذا مردم اگر چه ظاهراً از "دین" رویگردانند اما به سوی "حقیقت دین" در حال اقبالند.

حضرت عبدالبهاء در مناجاتی به این حقیقت چنین اشاره میفرمایند:

"...ای دلبر مهربان، هر بینوائی سر گشته کوی تو و هر مرغ بی پرو بالی، گرفتار موی تو و هر سر گشته و سر گردانی، ناظر به سوی تو و هر سوخته دلی، تشنه جوی تو و جهانیان هر چند غافلند ولی به جان در گفتگوی تو..."

مکاتیب عبدالبهاء، ج ۲ ص ۱۰۶

سایت آیین بهائی

آثار بهائی بیان می‌دارند که نوع انسان در سیر تکامل زندگی جمعی خود، حال پس از عبور از دوران کودکی، در آستانه بلوغ جمعی قرار دارد؛ یعنی مرحله‌ای که در آن اصل یگانگی نوع انسان می‌تواند به صورت عملی در بستریک تمدن جهانی، جلوه‌گر شود. در این سیر تکاملی، درک انسان از ماهیت خویش، هدف زندگی، دنیای پیرامونش، روابط و نظام اجتماع و توانائی‌هایش همواره و به تدریج، توسعه یافته است. از دیدگاه دیانت بهائی، علم و دین برای انسان دو نظام همپوشان و مکمل دانش، جهت ساختن تمدن هستند. همانطور که آگاهی و فهم انسان از بخشی از حقایق هستی در قالب نظامی از دانش که علم نام دارد در طول زمان تکامل می‌یابد، درک ما از حقایق غیرمادی و مفاهیم معنوی که در نظام دانش دین تبلور می‌یابد نیز پیوسته عمیق‌تر و کامل‌تر می‌شود. بنابراین امروز نوع انسان نیازمند فهم جدیدی از دین، متناسب با دوران بلوغ بشر است که پاسخگوی پرسش‌های بی‌شماری باشد که روند تکامل اجتماعی و فکری بشر، رقم زده است. حضرت بهاءالله از دین به عنوان «سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان» یاد می‌کنند و اینکه «دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و اُلفت عالم است». اما آن‌چه امروز به نام دین در دنیا شناخته می‌شود و توسط بسیاری از رؤسای مذهبی رواج می‌یابد، در اغلب موارد در تضاد با هدف دین و حقیقت آن است. برداشت‌هایی از دین که آن را معادل با سنت پرستی، تَحَجُّر و تعصّب می‌داند و ایمان را در تضاد با عقلانیت می‌بیند، نه تنها به پیشرفت و ترقی نمی‌انجامد، بلکه موجب توجیه و تشویق فرهنگ بیگانگی، تبعیض، ظلم و در نهایت جزم‌اندیشی می‌شود. برای اینکه دین بتواند همپای علم، نیروی محرکه و پیش‌برنده ساختن تمدن باشد و عامل آرامش و آسایش مردمان گردد، نیازمند حصول شرایطی است. آثار بهائی با تشریح این شرایط، مفهوم جدیدی از دین پیش روی بشر می‌گذارند. حضرت بهاءالله با ظهور خود تنها مجموعه‌ای از تعالیم جدید ارائه نمی‌دهند، بلکه مفهوم کلی دین را بازسازی می‌نمایند. حضرت بهاءالله ادیان را به فصل‌های پی‌درپی کتابی واحد تشبیه می‌کنند؛ کتابی که می‌توان آن را دین الهی نامید. ایشان بیان می‌دارند حقیقت یکی

است و در گذر زمان، به تناسب میزان درک و فهم بشریت و نیازهای هر دوره از تاریخ، بخشی از آن توسط ادیان، به نوع انسان عرضه شده است. بنابراین دین لازم است پیروانش را تشویق کند که درک خود را از دین و بینش‌هایی که ارائه می‌کند، همچون درک از علم و یافته‌هایش رو به رشد و نه مطلق بدانند؛ تکیه بر روشن‌بینی، عقلانیت و حقیقت‌جویی داشته باشد و بر اهمیت جستجوی حقیقت به طور مستقل تأکید کند. دین در مفهوم جدیدش دانش علمی را به عنوان ارزشمندترین دارایی انسان در نظر می‌گیرد و با پررنگ نمودن نقش آن در پیشرفت اجتماع و سعادت و رفاه بشر، با تقلید، خرافات و اوهام مبارزه می‌کند. در آثار بهائی بر هماهنگی دین با علم و عقل تا آن جا تأکید شده است که حضرت عبدالبهاء توضیح داده‌اند: «اگر دین مخالف علم و عقل باشد ممکن نیست سبب اطمینان قلب شود. چون سبب اطمینان نیست اوهام است. آن را دین نمی‌گویند.» از دیگر شرایطی که آثار بهائی برای دین تعیین می‌کنند این است که دین باید سبب آرامش، آسایش، الفت و محبت در میان مردمان باشد، در غیر این صورت نام دین را نمی‌توان بر آن نهاد. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: «ای اهل عالم! مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است؛ او را سبب عداوت و اختلاف ننمایید.» اگر قرار است دین چنین نقشی ایفا کند، آن را نمی‌توان به حیطة زندگی شخصی محدود نمود بلکه باید به عنوان منشاء خیر اجتماعی از آن بهره برد. بر اساس چنین فهمی است که دین را می‌توان مروج افکار متعالی و سازنده دانست. دین در معنای حقیقی خود، اخلاق نیکو ترویج می‌دهد، بردباری، محبت، بخشش و بزرگواری را تقویت می‌کند، توانمندی افراد را برای خدمت به دیگران و فداکاری در راه خیر عموم و رفاه جمعی پرورش می‌دهد. دین حقیقی به افراد می‌آموزد جهان‌بین باشند نه خودبین، از تعصبات دوری نمایند، هیچ کس را بیگانه نبینند، در ایجاد یگانگی و اتحاد بین نوع بشر سهیم باشند، در راه رفاه مادی و معنوی همگان کوشش نمایند، تولید، کاربرد و انتشار دانش را در کانون زندگی خود قرار دهند، به اصل عدالت در زندگی شخصی و اجتماعی خود پایبند باشند، مایه سرور و شادی حقیقی شوند و در یک سخن دنیایی جدید بسازند.